



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مجلس یوم پنجشنبه ۳۱ شهریور ۱۳۰۵ مطابق ۱۵ شهریور الاول ۱۳۴۵

جلسه ۱۲

غائبین با اجازه - آقایان: حاج آقا اسمعیل عراقی - میرزا حسینخان جلائی - علی خان اعظمی - آقا سید زین العابدین - میرزا هاشم آشتیانی.

مجلس دو ساعت و سه ربع قبل از ظهر که ریاست آقای تدین تشکیل و صورت مجلس روز سه شنبه ۲۹ شهریور قرائت و تصویب شد.

غائبین بدون اجازه - آقایان: محمدولی خان اسدی - میرزا احمدخان شریعت زاده - میرزا ابراهیمخان قوام - ملک ایرج میرزا پور تیمور - محمد هاشم میرزا افسر - میرزا حسن آقا زاده سبزواری - دکتر محمدخان صدوق - صادق خان خواجوی .

دیرآمدگان با اجازه - آقایان: آیت الله زاده خراسانی - حاج حسن آقا ملک.

دیرآمدگان بدون اجازه - آقایان: میرزا سید مهدیخان فاطمی - فیروز میرزا فیروز - مرتضی قلیخان بیات - آقا شیخ محمدعلی انام جمعه شیراز - میرزا محمد علیخان نظام مافی - آقا شیخ علی دشتی - میرزا اسمعیل خان نجوبی - اسیر تیمور کلالی - غلامحسین میرزا سعود - میرزا محمدتقی بهار - میرزا علی اکبرخان داور آقای بهبهانی راجع به عملیات شنیعه طایفه وهابیه در حجاز و اثرات سوء آن نسبت به مسلمین دنیا عموماً و ایران خصوصاً و لزوم اقدامات جدی از طرف دولت و تشکیل کنگره بین المللی از نمایندگان دول اسلامی برای اصلاح و رسیدگی به این امور شرحی تقریر و پیشنهادی به قید دو فوریت راجع به تشکیل یک کمیسیون دوازده نفری منتخبه در شعب برای تعیین تکلیف قطعی این موضوع تقدیم و آقای رئیس الوزراء راجع به بیانات جلسه گذشته آقای دکتر صدوق در خصوص ارسال مراسله از طرف آقای فروغی به سفارت دولت شوروی و قبول قضاوت اتباع آن دولت در محاکمات وزارت امور خارجه اظهار نمودند ارسال چنین نوشته را از طرف آقای فروغی تردید و عملاً هم این قضیه واقعتاً نداشته و دعاوی اتباع آن دولت در محاکم عدلیه رسیدگی میشود و راجع به بیانات آقای بهبهانی و قضایای حجاز هم اظهار نمودند دولت با کمال جدیت مشغول بوده و اقدامات خود را تعقیب مینماید و در باب مراسله دیگر آقای فروغی به سفارت انگلیس اظهار بی اطلاعی نموده و اظهار داشتند در این خصوص هم تحقیقات لازمه شده نتیجه به مجلس شورای ملی اطلاع داده خواهد شد.

خبر شعبه چهارم راجع به نمایندگی آقای آقا حسین آقایان از شاهرود قرائت و چون آقای فاطمی مخالف بودند موکول به بعد شد. پروگرام دولت مطرح و در ضمن شور کلی آقای فرمند راجع به عدم توازن صادرات و واردات و تعدیات ماسورین دولتی به مردم و لزوم اقدامات سریع برای ازدیاد صادرات و جلوگیری از فشار ماسورین و تعیین خطوط آهن از طرف دولت اقدام فوری در امتداد خط شرحی تقریر و آقای بهار موافق بوده و اظهار مینمودند اجرای نیت نماینده محترم البته منظور نظر هیئت دولت بوده و البته اجرای اصلاحات و وسائل تسهیل امور تجارت و امتداد خط آهن و غیره تدریجی بوده و مدتی وقت لازم است.

آقای ارباب نیز راجع به لزوم اجرای قوانین مصوبه اپوار مختلفه مجلس از طرف دولت و اصلاح کامل وضعیات ادارات دولتی و رفع تعدی ماسورین دولت از مردم و لزوم پیشنهاد لایحه قانونی از طرف دولت به مجلس شورای ملی برای رفع توقیف وجوه حاصله از قند و شکر و جریان آن در مملکت برای استفاده عموم تا موقع

احداث خط آهن و توجه به عریضه تقدیمی تجار و اصناف به مجلس شورای ملی اظهاراتی نموده و آقای حائری زاده موافق بوده و اظهار مینمودند بدیهی است اصلاح کلیه امور ضروری بوده و البته بایدستی با موافقت نظر مجلس شورای ملی و هیئت دولت تدریجاً اصلاح شود.

آقای فهیمی نیز مخالف بوده و شرحی راجع باجمال و ابهام پروگرام و مواد آن اظهار و آقای بامداد شرحی مشعر به موافقت و عملی بودن مواد پروگرام تقریر و آقای وزیر عدلیه اظهار نمودند چون اظهارات این بنده در جلسه گذشته راجع به دستگیری بعضی از اشخاص در چند سال قبل مورد سوء تفاهم بعضی از آقایان محترم شده توضیحاً عرض میکنم که قصد توهین نسبت به آقایان نبوده و هرگاه در آن زمان تضحیاتی نسبت به بعضی از آقایان محترم شده از روی سهو و اشتباه بوده و مورد تأسف است.

در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و به فاصله نیم ساعت مجدداً تشکیل و در قسمت اول پروگرام آقای فرمند اظهار نمودند حفظ روابط حسنه مستلزم حسن روابط تجارته و اقتصادی است و لازم است دولت با دواولی که نسبت بقالی های ایران تضحیاتی وارد میآورند معامله متقابل نموده یا وسائل رفع آن را فراهم آورند.

آقای حائری زاده شرحی مشعر به موافقت تقریر و آقای آقا سید یعقوب راجع به جلوگیری از صدور سال التجاره های ایران در سرحدات شمالی و اغتشاش بعضی نقاط شرحی تقریر و اظهار مینمودند با این اوضاع روابط فعلی را نمی توان حسنه تلقی نمود و بهتر این بود به جای حفظ روابط حسنه ایجاد روابط حسنه نوشته میشود.

آقای یاسائی اظهار نمودند البته بین دولت ایران و دول مسجوار روابط حسنه موجود و محتاج به ایجاد نیست و هرگاه مشکلاتی از حیث امور اقتصادی موجود باشد بطوریکه در قسمت دوم ذکر شده با مساعی دولت مرتفع خواهد شد.

در قسمت دوم آقای ارباب کیخسرو لزوم ذکر جلوگیری از اشیاء تجملی را در این قسمت لازم و ذکر مسأله ترانزیت را با قید آن در عهدنامه ایران و روس غیر ضروری دانسته و آقای حائری زاده اظهار نمودند البته قسمت راجع به اشیاء تجملی سطح نظر هیئت دولت بوده و برای رفع این محظوظ اقداماتی خواهند نمود و مسأله ترانزیت هم راجع به واردات است و با ترانزیت مرقومه در عهدنامه اصطکاکی ندارد.

در قسمت سوم نیز آقای ارباب کیخسرو شرحی راجع به لزوم اصلاحات در مالیات ارضی و توجه خاصی در این موضوع برای توسعه امور فلاحت تقریر و آقای حائری زاده اظهار نمودند در قسمت سوم اصلاح امور مالییه ذکر شده و بدیهی است راجع به اصلاح این قسمت نیز اقداماتی از طرف دولت به عمل خواهد آمد.

بقیه مذاکرات در پروگرام به جلسه آتیه موکول و برای شرفیابی حضور اعلیحضرت همیونی جهت تبریک عید سولود حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله اقتراح به عمل آمده و آقایان بمفصله ذیل تعیین شدند آقایان: غلامحسین میرزا - بهار - علی خان

حیدری - میرزا ابراهیم اهری - لیقوانی - خطیبی.

جلسه آتیه به روز یکشنبه سوم مهرماه تعیین و مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد.

در جلسه ۳ مهر ۱۳۰۵ قرائت و تصویب شد.

رئیس مجلس شورای ملی - سید محمد تدین (منشی: سید ابراهیم ضیاء) (منشی: امیر تیمور کلالی)

صورت مشروح مجلس مورخه یوم پنجشنبه ۳۱ شهریور ۱۳۰۵ مطابق پانزدهم ربیع الاول ۱۳۴

(مجلس سه ساعت قبل از ظهر به ریاست آقای تدین تشکیل گردید).

(صورت مجلس یوم سهشنبه بیست و نهم شهریور را آقای آقا سید ابراهیم ضیاء قرائت نمودند).

رئیس - آقای بهبهانی. (اجازه)

آقا میرزا سید احمد بهبهانی - بنده قبل از دستور عرضی دارم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب. (اجازه)

آقا سید یعقوب - قبل از دستور.

رئیس - آقای دادگر. (اجازه)

دادگر - قبل از دستور.

رئیس - آقای حاج حسن آقا ملک. (اجازه)

حاج حسن آقا ملک - بنده هم قبل از دستور عرضی دارم.

رئیس - نسبت به صورت مجلس اعتراضی نیست؟

(گفته شد - خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد. آقای بهبهانی. (اجازه) بهبهانی - بنده در دو روز قبل اجازه خواسته بودم قبل از

دستور عرایضی راجع به وضعیت انتخابات طهران که محل اعتراض نماینده محترم واقع شده بود و شکل جریان او و اینکه مطلب آنطوریکه نماینده محترم ایراد کرده اند نیست و حقیقت غیر از آن است ولی آرزو اجازه به بنده رسید و نتوانستم آن عرایض را عرض کنم و حالا هم که اجازه خواسته ام و موفق شده ام یک مطلب سهمتری به نظر هست که میخواهم آنرا خدمت آقایان محترم تذکر بدهم لهذا آن مطلب راجع به انتخابات را در موقع دیگری به عرض آقایان خواهم رسانید بنده یکی از تکالیف مهمه دیانتی و سیاسی خود میدانم امروز که پروگرام دولت مطرح کرده نمایندگان محترم و محل نظر و توجه عامه مسلمین این قطعه از ممالک اسلامی است استفاده نموده مطلبی را که در نهایت اهمیت و در نزد مسلمین دنیا بلکه عامه سیاسیون عالم فوق العاده جالب توجه است تذکر داده و در این مقام مقدس که بالاترین مقام رسمی ایران است اولین وظیفه خود را ادا کرده بلکه به همت نمایندگان محترم و مساعدت دولت وقت به آخرین تکلیف در انجام وظیفه موفق شویم و هرگاه صلاح بدانند در پروگرام خود ماده مخصوصی را برای انجام این تکالیف الهی و سیاسی حقاً اختصاص دهند.

مسأله مهمی که امروز افکار سیاستمدان دنیا اعم از ممالک اسلامی و غیر اسلامی را به خود جلب کرده است موضوع ظهور طایفه وهابیه و عملیات شنیع ظالمانه آنها نسبت به مسلمانان و مقدسات اسلامی در نقطه مملکت حجاز که مبداء و مظهر دین

حنیف اسلام است میباشد. نظر به اینکه خطه حجاز از نقطه نظر سیاست اسلامی و عظمت فرق مختلفه مسلمین فوق العاده اهمیت دارد از بعد از جنگ بین المللی دول اروپا توجه خاصی به این نقطه داشته و هر یک از متخاصمین جنگ هر روز بدست اسراء نادان بی اطلاع عرب یک سیاست های سرسوزی را در آنجا تعقیب و یک رل های جدیدی بازی کرده و می کنند متأسفانه آنها که کمتر از همه در این سیاست عمیق اسلامی شرکت داشته اند دول ثلاثه مستقله اسلامی ایران - ترکیه - افغانستان است و باز با نهایت تأسف اهمال کاری بجائی رسیده که چندی قبل در یکی از جرائد میخواندم که یکی از دول معظمه اروپا (فرانسه) خودش را دوم مملکت اسلامی خطاب میکند نمی خواهم فعلاً اهمال کاری و غفلت دول اسلامی خصوص دولت ایران را که میتوان این پیش آمدها را مستقیماً مستند به آنها کرد بیان نمایم بگذارم و بگذرم.

همه کس باید تصدیق نماید که خطه اسلامی حجاز فقط از نقطه نظر اجراء آداب و رسوم و سنن مذهبی برای مسلمین اهمیت ندارد. بلکه وضعیت جغرافیائی و تاریخی حجاز نوعیت که محل مزبور از حیث سیاست اسلامی و حفظ بیضه اسلام و استقلال هفتصد کرور مسلمین دنیا در درجه اول اهمیت واقع شده است و از همین نقطه نظر است که امروز جمیع دول و ملل اروپا با یک نظر مخصوص متوجه سیاست خفی حجاز شده و کاملاً مشغول مطالعات عمیق در حقیقت سیاست مزبوره هستند تصور می کنم محتاج به اقامه دلیل و برهان نباشیم که تغییرات پی در پی و انحلال رژیم های متعدده و سقوط اسراء و شرفاء حجاز و آمدن دیگران به جای آنها یک مسأله ساده نبوده و مسلماً مبنی بر یک سیاست هائی در تحت استتاری بوده که انگشت اجانب در زیر آن حرکت میکرده و اگر به اندک دقتی به وضعیت کنونی شبه جزیره عربستان و اسارت مسلمین بدست دول مقتدره اجنبی ملاحظه شود مقصودم را بخوبی درک خواهید نمود عجلتاً امروز قبله کافه مسلمین و قبه الاسلام شمارا (ای مسلمانان غیرتمند) بدست طایفه وحشی وهابیه و ابن سعود تسلیم نموده اند و بالاخره قلب اسلام که حیات اسلامیت منوط به نگاهداری و حفظ آنست در باطن و حقیقت نفس الامر بدست یکی از طوائف اسلامی که حقیقت اسلام از آنها بری و بیزار است در چنگال دشمنان سعادت مسلمین گرفتار گردیده است و معابد بزرگ اسلامی و قبور پیشوایان و ائمه طاهرین (با اینکه معابد هر طایفه و مذهبی حتی بودائی نزد جامعه بشر محترم است) در تحت سم ستوران اعراب وحشی بدوی خراب و خاک آنها به باد میروند آیا موقع آن نرسیده است که در مقابل این فجایع از طرف ما مسلمانان نفسی شده عرض اندامی

شود - تا کی بی حالی - تا کی بی اعتنائی - تا کی سماج - قطع نظر از ضربه شدیدی که بواسطه ظهور این وضعیت اسفناک در سکه معظمه و مدینه طینه مستقیماً به پیکر مملکت ایران و مسلمین ایران وارد آمده و قلوب هر یک از مسلمانان ایرانی را محلو از خون نودماند باید دانست که ظهور این فجایع فقط یک قیام ساده مذهبی و طغیان یک سشت بدوی نیست اینها یک نقشه های مخوف و خطرناک است که برای اضمحلال جامعه اسلامیت کشیده شده. بیخواهند یک صفوف جدیدی به سلسله اسلامی که بدست کفار اسیر و در زیر زنجیر قیومیت واقع شده اند بیفزایند بیخواهند به وسیله یک طایفه گمراه مزدوری بین مسلمانان کره ارض تجدید اختلاف نموده تعصبات مذهبی را از نو شروع نمایند. بلی - اگر سه مملکت مستقل اسلامی ایران - ترکیه - افغان را موضوع نموده و یک نگاهی به جامعه مسلمین دنیا بنمائید می بینید که صدها کرور مسلمانان روی زمین به وسیله بازی کردن همین رلهای سیاسی مانند قضیه حجاز و وهابها و انداختن اختلافات در سایر مسلمانان. و ایجاد تعصبات مذهبی امروز در زیر زنجیر قیومیت اجانب گرفتار و مانند زالو شیره حیات آنها را می کشد. حال در مقابل این خطرات عظیمی که در مقابل اسلام و مسلمین عرض اندام کرده است مسلمین دنیا چه میکنند و مخصوصاً ایران که هم از نقطه نظر سیاسی و هم از نقطه نظر مذهبی از جمیع فرق اسلام بایستی علاقه مندتر باشد در چه حال است؟ آقا بالاسرها - قیما - متولها - سیاستمدارها - صاحب اختیارها - بالاخره آنها که همیشه خود را همه چیز و دیگران را ناچیز می شمارند در این موقع مهم سیاسی و دیانتی - در این موقع حیاتی در این مدت مدید (تقریباً مدت یک سال) چه کرده اند؟ جمعی مشغول تکذیب - جماعتی بی خیال - چند نفر مشغول کار - ولی چه کار - نشنند و گفتند و بخواستند - از هر کس پرسیدم گفتند مشغول مذاکره هستیم - خلاصه تا کنون چه کرده اند حرف زده اند. حرف خالی و بی فایده چیز دیگری از این نشست و بخواستها دیده نشد.

در یکی از جرائم خوانده شد این سعود در جواب نماینده افغانستان اظهار میدارد. بیخواهد موهومات وحشو و زوائد اسلامی را اصلاح کند. منجمه زیارت قبور خاتم النبیین (ص) و ائمه هدی (ع) در بقیع و غیر بقیع را یکی از آن موهومات قرارداده و از آنها تعبیر به بت پرستی نموده صریحاً میگوید باید این قبیل بت پرستی ها را از بین برد. بنده عرض نمیکنم تمام فرق مسلمین یابند بعضی موهومات نیستند ممکن است یک حشو و زوائد بهم وجود داشته باشد ولی عرض میکنم اولاً زیارت رسول اکرم (ص) به اتفاق جمیع فرق مسلمین یکی از عبادات مهمه است چنانکه قاضی عیاض که یکی از معتبرین اهل سنت و جماعت است میگوید: (و زیارت قبره (ص) بین المسلمین مجمع علیها و مرغب فیها) اخبار صریحاً داله بر سنت زیارت حضرتش در کتب خاصه و عامه زیاد از حصر و تعداد است و کلمات علماء فریقین بر نقل اجماع در این خصوص موجود که نقل آنها ما را از مطلب خود دور مینماید و ثانیاً طایفه ظالمه و هابیه با عده قلیل بلکه نسبت به فرق دیگر

مسلمانان اقل قلیلند و اعمال و حشیانها آنها چه صلاحیتی برای اصلاح عالم اسلامیت دارند ما و شما اگر فی الجمله کنج کاوی در اظهارات و عملیات این طایفه طاغیه بنمائیم می بینیم فقط حمله مستقیم آنها به مسلمین ایران و پیروان مذهب تشیع است هرگاه نظریات اجانب را نسبت به بین النهرین و اقتدارات شیعیان را به واسطه وجود شاهد مقدسه در آنجا در نظر بگیرند می بینید که این حمله مستقیم به ماها آتقدیر ساده نیست علاوه بر جنبه دیانتی دارای جنبه های مهم سیاسی نیز میباشد. خوب دقت کنید سه دولت اسلامی را که شاید جمعیت هر سه بیش از بیست و پنج میلیون نیست موضوع کنیم. یک نظری به جامعه چهارصد میلیونی مسلمین دنیا بنمائید. امروز با نهایت تأسف باید اعتراف کنیم که عامه مسلمین در چنگال ظالمانه اجانب اسیر میباشد. اوضاع سراسر هنوز در جریان است هزارها مسلمین غیرت ستم را به خاک هلاک انداخته و یکی از اسراء معروف مسلمان را به جرم اسلامیت دستگیر و به بعیدترین جزائر دنیا تبعید نمودند.

جسم ممالک اسلامی سوریه و دمشق هنوز در زیر آتش توپ شعله ور است صدها هزار زن و اطفال مسلمین بدست کفار شهید شده و میشوند مسلمانان چین مانند هندوستان بتحریک اجانب بجان همدیگر افتاده اند مملکت اسلامی حبشه را مثل گوسفند قربانی تقسیم میکنند و از خط استوا دست استمداد بطرف شما دراز کرده اند - خلاصه خوب اینوضعیت دنیا را در نظر بگیرید و ببینید یک نفر مسلمان یک نفر ایرانی نژاد ملت پرست. بالاخره یک نفر مشرق زمین در مقابل اینحوادث اسلام برانداز چه تکلیفی دارد. تا که دست میرسد کاری بکن. بعقیده بنده جسم و پیکر اسلام را هر قدر ضرت زدند عاقبت الامر بمقصود خود نرسیدند. زیرا قلب اسلام بجای خود محکم بوده متزلزل نشد امروز دیگر بقلب اسلام یعنی مکه و مدینه (حجاز) دست دراز شده است اگر قلب متزلزل شد پیکر متزلزل و از کار خواهد افتاد - لا ارانا الله ذالک ابداً تکلیف چیست اولاً خیلی خوشوقتم که کابینه حاضره جزو کمیسیون مشغول بحرف بوده و سابقه علاقمندی آنها باین مطلب معین است ثانیاً بعقیده بنده در درجه اول تکلیف این است حوادث را از حوادث عادی تصور نکرده و یقین بدانید که این ضربه مستقیم است در مرحله اول بجامعه اسلامی ایران و سپس بدول ممالک مستقل اسلامی - ترکیه - افغان وارد میاید و باستقلال ماها حمله میکنند باید دولت. مات. مجلس. شاه و گدا و بالاخره جامعه اسلامی بجنبش آمده و از حدود حرف تجاوز نمایند و دفاع از قلب اسلام را جزء فرائض فوری آنی خود تصور نمایند. سپس چون من معتقدم که باید قلب اسلام (حجاز) در دسترس جمیع فرق مسلمین باشد و از تحت سلطه یک طایفه مخصوص (که ممکن است آلت اجانب واقع شوند) بیرون نیاید باید بفوریت با ممالک سه گانه همکیش که در ایران نماینده دارند ترکیه افغان. مصر. داخل مذاکره شده و نقشه کنفرانس اسلامی در یکی از نقاط طرح و ضمناً از مسلمین هندوستان. سراسر الجزائر. تونس. حبشه. سوریه. بین النهرین. قفقاز نمایندگانی دعوت شوند و با توافق نظر آنها یک حکومت

بین المللی اسلامی در حجاز تشکیل و از هر یک ممالک مستقل اسلامی کمیسر هائی در حجاز گماشته و همین طور بنمایندگان مسلمین که هنوز در قید اسارت اجانب هستند حق شرکتی داده شود. و بالاخره یک کانون اسلامی در خانه خدا و حضرت رسالت پناهی (ص) تأسیس و عموم مسلمین دنیا آنرا تقویت و بالتلیجه نقشه اجانب را خنثی نمایند در خاتمه برای اینکه از عرایض و مذاکرات خود نتیجه گرفته باشیم پیشنهاد خود را بمضمون ذیل تقدیم که بقید دوفوریت تصویب نمایند

(پیشنهاد مزبور را بشرح آتی قرائت نمودند)

مجلس شورای ملی تصویب مینماید کمیسیون مرکب از دوازده نفر منتخبه از شعب شش گانه مجلس با شرکت دولت در قضیه ظهور وهابیه در حجاز و تجاوزات مستقیم و غیر مستقیم آنها بمقدسات سال اسلامی خصوص ایران و تعیین تکلیف قطعی آتیه خطه مزبوره بطالعات لازمه نموده نتیجه را به اسرع اوقات تقدیم مجلس شورای ملی بنماید. کمیسیون مزبور بتوسط دولت با مقامات روحانیت در اینباب مشاوره نموده از نظریات آنها استفاده مینماید. و نیز کمیسیون مزبور بتوسط دولت لدی الاقتضاء میتواند با نمایندگان سیاسی ممالک اسلامی ترکیه - افغانستان - مصر. در اینخصوص کنفرانسهائی برای تبادل نظر تشکیل بدهند عضویت این کمیسیون مانع عضویت در کمیسیون رسمی دیگر مجلس نیست.

تصور میکنم آقایان تصدیق بفرمایند که در اینباب تا بحال کوتاهی شده است و نمایندگان مجلس شورای ملی شاید خیلی ذمه دار این مسئله هستند. علی العجابه پیشنهاد را به مجلس تقدیم میکنم که در موقعش مطرح شده و رأی گرفته شود.

جمعی از نمایندگان - دستور.

رئیس - وارد دستور بشویم؟

بعضی از نمایندگان - بلی.

رئیس الوزراء - چون در ضمن بیانات پریروز آقای دکتر مصدق اشاره به یک مراسله فرمودند که آقای فروغی به سفارت روس نوشته اند که آن مراسله یک لطمه وارد میاورد و قضایای کاپیتولاسیون را تجدید میکند بنده این اطلاعی را که ایشان دارند به هیچوجه ندارم و هیچ همچو چیزی گمان نمیکنم باشد و امروز هم کاپیتولاسیون به هیچوجه مابین ایران و روسیه برقرار نیست و اطلاع ندارم که کاپیتولاسیون ما بین ایران و روسیه برقرار باشد و عملاً هم امروز کاپیتولاسیون ما بین دولت ایران و روسیه برقرار نیست و یک چند کلمه هم راجع به فرمایشات آقا اگر اجازه بفرمایند جواب عرض کنم خیلی مختصر راجع به فرمایشات ایشان که فرمودند (دولت در این باب قصور کرده) با اینکه نمیخواهم رد فرمایش ایشان را بکنم با کمال ادب عرض میکنم اینطور نیست و به هیچوجه دولت در این سئاله قصوری نکرده است و با کمال جدیت مشغول اقدام بوده و هست.

بهیچانی - چیزی هم دیده نشده است.

رئیس الوزراء - وقت مجلس را هم بنده با قدر و قیمت تر از این میدانم که بخواهم جزئیات اقدامات دولت را عرض کنم آقای مدرس که یکی از نمایندگان هستند در آن کمیسیون هستند و اطلاع از اقدامات دولتی دارند و آقایان علماء هم تشریف دارند منجمه آقای آقامیرزا سید محمد اخوی ایشان هم در آن کمیسیون تشریف دارند و لابد ایشان را از اقدامات دولتی مطلع کرده اند و نمیخواهم در این باب پیش از این عرضی کرده باشم. خطیبی - اشارات آقای دکتر مصدق دو جمله بود. یک جمله دیگرش را نفرمودید.

رئیس - آقا بی اجازه صحبت نکنید.

رئیس الوزراء - در آن قسمتش اطلاعی ندارم. ممکن است تحقیقات بکنم و جواب عرض کنم.

رئیس - خبری است از شعبه چهار راجع به انتخابات شاهرود و نمایندگی آقای آقا حسین آقایان به عرض مجلس میرسند.

(آقای افشار سخبر شعبه خبر مزبور را به شرح ذیل قرائت نمودند)

به تاریخ ششم اسفند ۱۳۰۴ از طرف حکومت شاهرود بسطام از طبقات شش گانه و محتمدین محل برای تشکیل هیئت نظار دعوت بدو مطابق مقررات قانون اعضای اصلی و علی البدل و هیئت عامه به رأی سخبری از میان حضار انتخاب و تا ۱۸ اسفند ماه انجمنهای فرعیه دوازده گانه معین و از تاریخ ۳۱ اردی بهشت تا ششم خرداد مدت برای توزیع تعرفه و اخذ آراء معین و در نتیجه آقای آقا حسین آقایان به اکثریت ۵۶۹۴ رأی از ۱۰۱۲۷ رأی به نمایندگی مجلس شورای ملی از حوزه انتخابیه شاهرود و بسطام انتخاب. شعبه در جلسات عدیده خود دوسیه و جریان انتخاب را تحت دقت نظر گرفته. و شکایات واصله را اعم از موقع جریان انتخاب و ختم آن مطالعه و هیچ یک از اعتراضات را قابل توجه ندانسته و به اکثریت آراء صحت نمایندگی منتخب این حوزه انتخابیه را تصدیق و راپرت آن را تقدیم میاورد.

رئیس - آقای فاطمی. (اجازه)

فاطمی - بنده مخالفم.

رئیس - میماند برای جلسه بعد. شور در کلیات پروگرام دولت است. آقای فرمند (اجازه).

فرمند - بنده نه با کابینه آقای مستوفی و نه با شخص ایشان و نه با وزراء شان مخالف نیستم فقط یک نواقصی در پروگرامشان دیده ام که به عقیده بنده باید در آن بحث کرد بقول خود آقا حلاجیش کرد قبل از اینکه داخل اصل بحث در پروگرام بشوم یک جمله آقای وثوق الدوله پریروز در ضمن نطقشان فرمودند که بنده میخواستم آن جمله را تردید کنم برای اینکه ایشان در ضمن بیاناتشان فرمودند: من در مواقع سختی که رجال دیگر ایران زیر بار مسئولیت نمی رفتند و می ترسیدند که افکار عمومی نسبت بآنها بدبین شده و از وجهه ملی آنها کاسته شود و نمیتوانستند اسورات مملکتی را حل و عقد کنند من در آن موقع زیر بار مسئولیت رفتم. بنده میخواستم این جمله را که ایشان فرمودند تکذیب کنم برای اینکه

بعد از این که آقای وثوق الدوله تشریف بردند آقای مشیرالدوله مسئولیت امور مملکتی را قبول کردند و آن یک موقع فوق العاده خطرناکی بود که از طرف شمال یک تحریکات شدیدی در ایران میشد ..

بعضی از نمایندگان — (بطور همهمه) — خارج از موضوع است فرمند — بنده حق دارم مطالب خردم را بگویم. در آن زمان هم بنده در شهر طهران بودم افکار شهر تهران فوق العاده انقلابی و برله آن انقلابیون ایران و بر علیه دولت آقای مشیرالدوله و شخص مشیرالدوله بود. و آقایانیکه در طهران بودند مخصوصاً آقای مدرس مسبقاً که ایشان در آن موقع لغت متجاسر را از کتاب لغت بیرون آوردند و با کمال جدیت بر ضد افکار عمومی با آنها جنگ را شروع کردند و در ضمن با کمال سیاست دانی حل بعضی قضایا را بدست آقای مشاور الممالک کردند که خود آن سیاست اسباب رنجش های فوق العاده در منابع سیاسی دیگر شده بود که اگر خاطر آقایان مسبقاً باشد لرزگر زن هم عصیان شده بود و گفته بود سیاست ابلهانه مشیرالدوله کارها را خراب کرده؛

(همهمه نمایندگان — صدای زنگ رئیس)

فرمند — بنده مقصودم این بود که ثابت کنم آقای مشیرالدوله یکی از رجال مهم سیاسی ما هستند که در مواقع سخت مسئولیت مملکت را قبول نموده و بعضی فداکاریها هم برای مملکت نموده اند و همین طور معتقدم که رجال دیگر از قبیل آقای مستوفی الممالک بوده اند که در مواقع سخت خدمت مملکت نموده و مسئولیت را قبول نموده اند و نیز معتقدم که رجال ما باید رعایت انصاف و نزاکت را داشته باشند و چنانکه آقای مشیرالدوله و آقای مستوفی الممالک حفظ الغیب آقای وثوق الدوله را در این چند ساله سبک کردند ایشان هم رعایت بعضی مطالب را در فرمایشاتشان بفرمایند.

یک نفر از نمایندگان — اینها مربوط به پروگرام نیست

فرمند — بسیار خوب وارد در قسمت پروگرام میشوم. بنده وضعیت کنونی مملکت را خیلی خوب نمی دانم و همین قدر می بینم ما در تحت دو فشار فوق العاده واقع شده ایم یکی در تحت فشار اقتصادی و یکی هم در تحت فشار مأمورین دولت. فشار اقتصادی از نقطه نظر این است که چند سال است صادرات و واردات ما از موازنه افتاده است و هر سال یک مبلغی پول از این مملکت بیرون می رود مثلاً در پارسال که هزار و سیصد و چهار باشد تقریباً هشتاد کرویر پول در این مملکت رفته است ..

رئیس — قدری تأمل بفرمائید عده برای مذاکره کافی نیست

(وارد شدند)

رئیس — بفرمائید.

فرمند — و بنده گمان میکنم که دولت باید اهمیت فوق العاده باین مسئله داده و نگذارند که صادرات و واردات ما از توازن با یکدیگر خارج شود برای اینکه صادرات و واردات را بودجه ملی میدانم زیرا بودجه دولت پایه اش بروی بودجه ملی است و اگر مملکت فقر و فاقه پیدا کند بودجه دولت نقصان پیدا میکند و بودجه دولت که بحمد الله موازنه پیدا کرده است ولی از لحاظ قسمت صادرات اگر توجهی بآن نشود این موازنه مهم از بین خواهد رفت

در این پروگرام یک موادی پیش بینی شده است (برای همین مسئله) که صادرات ما زیاد شود صادرات و واردات ما موازنه پیدا کند. ولی بنده اینها را خیلی فوری نمیدانم و معتقدم که مخصوصاً دولت باید نظر داشته باشد که یک اقدامات و پیشنهادهائی به مجلس بکند که زودتر صادرات ما شروع باز دیاد کند. مثلاً اگر دولت الغاء مسئله قالی جوهری را پیشنهاد کند بمجلس از نقطه نظر قالی های موجود صادرات ما را زودتر زیاد میکند و هم چنین بعضی چیزهای دیگر از قبیل عتیقه جات و غیره که بنظر بنده اهمیتی ندارد و باید دولت یک فکری برای سهولت تجارت ایرانها در شمال بکند و یک فکری فوری تری برای صادرات ایران در نظر بگیرد و مثلاً تجارت قالی و تریاک را که دو صادرات مهم است دولت باید اینها را در نظر بگیرد ...

آقایید یعقوب — معلوم نیست که ایشان مخالفند یا موافق؟ فرمند — اجازه بدهید. باید دولت پیشنهادهای بکند مخصوصاً برای قالی جوهری که اسباب زحمت تجار شده است و صدور آن را آزاد بگذارند. اما در خصوص فشار مأمورین دولت. خود آقایان وزراء و آقایان نمایندگان هم مطلعند و تصدیق دارند که مأمورین دولت فوق العاده به مردم فشار وارد میاورند و خود این فشار در دهات به ضرر اقتصادی ملت تمام میشود و به عقیده بنده اگر دولت راجع به این قسمت چیزهایی در این پروگرام سنبوست که جلوگیری از فشار مأمورین دولت میشد بهتر بود تا این قسمتهائی که نوشته است برای اینکه امروز تمام مأمورین وزارتخانه ها آنچه که میتوانند به مردم فشار میاورند مخصوصاً خیلی بی نزاکت و بدخلقی نسبت به مردم می کنند و شکایت مردم هم غالباً از همین نقطه نظر است. بنده مخصوصاً دولت را متوجه میکنم که اگر چنانچه این فشارهای مأمورین دولت و این فقر اقتصادی ادامه پیدا کند ممکن است دچار یک مخاطرات وخیم و یک تشنجات اجتماعی بشویم که در آتیه اسباب زحمت دولت شود و یک نمونه از آن تشنجات اجتماعی را خود آقای مستوفی در کابینه اخیرشان در بعضی از نقاط مملکت مشاهده فرمودند بالاخره وقتی مردم عاصی بشوند یک مخاطراتی در بین است و باید نگذاشت مردم عاصی شوند و رعایت حال آنها را نمود و به نظر بنده به واسطه فقر و فلاکت است که ممکن است مردم عاصی شوند باید جلوگیری از فقر و فلاکت مردم نمود و چنانچه جلوگیری از این قسمت نشود با وضعیت حاضر ممکن است برای دولت اشکال و در در فوق العاده فراهم نماید.

اما در خصوص راه آهن اینجا یک ماده هست که در آن موقعی که به آن ماده برسیم بنده در آن صحبت خواهم کرد ولی عجالتاً یک مختصری عرض میکنم در خصوص راه آهن این ماده ده که راجع به آن نوشته شده به نظر بنده خیلی بوی مسامحه را دارد و مخصوصاً از این نقطه نظر با این پروگرام مخالفم برای اینکه درست وقتی انسان توجه میکند به این ماده می بیند که وعده اش خیلی دیر داده شده است و بنده خیلی متأسفم از اینکه در این پروگرام ندیدم یک قسمت جدی برای راه آهن نوشته شده باشد در صورتیکه وضعیت اقتصادی ما را چیزی اصلاح نمی کند مگر

بیایند و مال التجاره شان را بفروشند یا مال التجاره از آن بندرحمل کنند به سایر نقاط عالم که بالاخره ما بواسطه آن بندر از رقابت بین المللی و آزادی دریاها استفاده نموده و وضعیت اقتصادی ما پایه پیدا کند.

عجالتاً ما در تحت فشار طبیعی و اقتصادی هستیم و بنده تصور میکنم واجب ترین وظیفه هر ایرانی مخصوصاً ایرانیهائی که مصدر کارند و مسئولیت مملکت را گردن گرفته اند این است که به هر وسیله و به هر ترتیبی شده زودتر راه آهن را شروع کنند و شروع این است که کمپانی ساختمان را طلبیده با او قراردادی منعقد کنند که شروع به کار نقشه برداری کند والا با مهندس مذاکره کردن و این قبیل چیزها اسباب معطلی کار و مسامحه است و ممکن است دو سال مقدمات نقشه برداری را مهندس طول بدهد و یک فرسخ هم در این مدت دو سال برای ما راه آهن نکشد و بنده کاملاً علاقه مند هستم به اینکه راه آهن را بلکه همین دولت حاضر کنتراشتی را ببندد و به مجلس بیاورد و مجلس هم فوری تصویب کند تا هر چه زودتر شروع به کشیدنش بشود و در موقع مواد هم در این قسمت عراضم را عرض میکنم.

رئیس — آقای بهار (اجازه).

بهار — در حقیقت میتوان گفت که نماینده محترم جزو موافقین دولت بودند منتهی در مواد پروگرام ایشان بعضی نظریات شرحی داشتند که بعضی از قسمتهای آنها اساساً صحیح بود و در موقع اجرای به عمل هم بایستی مراجعه بفرمایند به هیئت دولت و آقایان وزراء نظریات ایشان را تأمین کنند و البته نظریاتی که راجع به اجرای بعضی از مواد خاصه راجع به راه آهن داشتند آن اندازه که مصلحت است طرف توجه واقع میشود لهذا بنده در مقابل فرمایشات ایشان مجبور نخواهم شد به خودم زحمت بدافعه بدهم.

در قسمت اول هم چون داخل شخصیات شدند و به عقیده اکثریت آقایان رفقا و نمایندگان محترم مذاکره در شخصیات زیاد از حد شد دیگر لازم نیست در آن باب عرض بکنم و همانطوری که ایشان فرمودند تمام رجال سیاسی ما طرف توجه و اعتمادند و همان طور که آقای مدرس در جلسه قبل فرمودند کاش ما نظیر این رجال محترم صدها و هزارها میداشتیم تا در هر موردی به هر سیاستی که سبتلاً میشدیم یکدسته رجال دانشمند بودند که مملکت را از ورطه بدبختی نجات میدادند و به عقیده بنده از جزئیات و از شخصیات نه در این جلسه بلکه من بعد هم باید صرف نظر شود زیرا عمر مملکت ما یک قسمت سهمش یک قسمت بزرگ زندگانی اجتماعی ما به شخصیات تلف و برگذار شده است و دلیلش هم این است که نتیجه وافق و کافی از این مبارزات و مذاکرات شخصی نبرده ایم جز اینکه عده کمی که از رجال فاضل و توانا و دانشمند برای ما باقی مانده این عده هم همیشه در معرض حملات و انتقادات شخصی و نظریات خصوصی در زحمت بوده اند و کمتر توانسته ایم از وجود رجال دانشمند مملکت چه رجال قدیم و چه رجال جدید آن استفاده را که شایسته است بکنیم. بنده تصور میکنم در این

راه آهن و البته راه آهن وقت لازم دارد اما تصور میکنم که اگر دولت جداً بخواهد راه آهن بکشد تا یکسال و نیم دیگر میتواند یک راه آهن بکشد که آن راه آهن یک تأییراتی در زندگی اقتصادی ما داشته باشد برای اینکه زحمت فوق العاده راه آهن فقط پول است پول که بود کار خیلی آسانی است مخصوصاً برای آقایان عرض میکنم در موقع جنگ بین المللی امریکائی ها که قشون کشی کردند به حدود غرب از پرود تا فرونت فرانسه چهار خط آهن کشیدند آن خط آهنهای بزرگ را در عرض ششماه کشیدند. پول که حاضر شد میشود به سرعت راه آهن را درست کرد و راه آهن یک چیزی نیست که فوق العاده وقت لازم داشته باشد و بنده برخلاف آقایانی که تصور میکردند زحمت فوق العاده دارد معتقدم که هیچ زحمت فوق العاده ندارد و تصور میکنم خواستن مهندسی که در دوره پنجم تصویب شد که بیاید برای راه آهن و بنده مخالف بودم برای این بود که عقیده ام این بود که اول دولت و مجلس باید تشخیص بدهند که کدام طرف را راه آهن باید کشید بعد متخصص بیاورند که آن راه را بکشند حالا هم عقیده دارم که فقط قسمت اختصاصیش که عبارت از کشیدنش باشد مربوط به مهندس است ولی جنبه سیاسی و جنبه نظامیش و جنبه اجتماعیش مربوط به دولت و رجال مملکت است و هیچ مربوط به مهندس نیست مثلاً اگر دولت تشخیص داد که فلان نقطه را باید وصل کنند به فلان نقطه آنوقت دیگر مهندس نمیخواهد یک کمپانی ساختمان را می طلبند و با آن کمپانی یک قراردادی می بندند کمپانی ساختمان هم خودشان مهندس و نقشه کش دارند و هم با تمام کمپانیها که ریل میفروشند و لوکوموتیو میفروشند و با تمام آنهائی که لوازم راه آهن را دارند با همه آنها سر او و آشنائی دارند و با تمام آنها یک قراردادهائی دارند آنها را کنتراست می کنند مشغول کار میشوند و تشخیص خواهند داد که از فلان دره یا فلان راه باید خط آهن کشیده شود و این مربوط به مهندس نیست و مربوط به خود دولت است برای اینکه دولت خودش بهترین متخصص است و بالاخره به عقیده بنده اگر چنانچه مهندسی هم بیاید تازه از وزارت فوائد عامه بپرسد که آقا من بروم کدام خط را مطالعه کنم اگر بگویند همه خطوط را برو مطالعه کن چند سال طول دارد تا تمام راهها را مطالعه کنند و نقشه کشی کنند در صورتیکه جنبه اقتصادی آنها با وزارت مالیه و وزارت فوائد عامه است که باید تشخیص بدهند کدام ولایت ما مال التجاره بیشتر میتواند فراهم کند یا کدام نقطه حاصل خیزتر و کدام نقطه صنایعش بیشتر است از آن نقطه خط آهن را شروع کنند.

پس در خصوص راه آهن بنده کاملاً با این ماده پروگرام و خود پروگرام مخالفم و عقیده ام این است که دولت باید فکر جدیدی برای راه آهن بکند و غیر از این فکری که کرده فکر جدیدتری بکند برای اینکه این زندگانی اقتصادی را که ما پیدا کرده ایم نمی توانیم ادامه بدهیم و با رفع ترانزیت و این حرفها هم کارها اصلاح نمی شود مگر اینکه ما یک راه آهن داشته باشیم در یک بندر آزادی از بندر ایران که وصل باشد آن راه آهن به آن بندر که کشتیهای مال التجاره و تمام ملل دنیا بدانند که باید به آن بندر

و اصلاح و پیشنهاد آن به مجلس) و این همان مقصود آقای فرسند نماینده محترم است.

بدیهی است راه‌آهن را از کویر به کویر شروع نمی‌کنند که نه سال التجاره از آنجا عبور کند و نه هیچ بدکله از دریا به دریا شروع می‌کنند و خط‌آهن را جایی می‌کشند که محل عبور مال‌التجاره باشد و فائده داشته باشد و طوری باشد که مسافری و سیاحان گذرگاهشان ایران باشد و ایالات خوب و پرجمعیت ما به هم وصل شود البته تمام این ملاحظات خواهد شد. به عقیده بنده این قسمت‌ها حاصل شده البته در کشیدن راه‌آهن مطالعات عمیقی شروع خواهد شد و نظریه حضرتعالی تأمین خواهد شد خواستن مهندس هم برای همین منظور بود و برای مسأله فوق‌العاده نبود زیرا در راه‌آهن اولین قدمی که باید برداشته شود خواستن مهندس است زیرا او باید مسأله را حل کند و البته در ضمن ملاحظات نظامی و اجتماعی و اقتصادی و غیره هم خواهد شد مهندس هم برای همین خواسته شده که این مسائل را تشخیص بدهد و این نظریات را اجرا کند و هر راهی را که صلاح میدانند از آن راه مشغول کار شوند حالا که به قول شما پول داریم مهندس هم دعوت شده است مجلس هم باین مقصد مشروع مقدس موافق است باید هر چه زودتر این قضیه را شروع کرد. نماینده محترم با اینکه با پرگرام موافق نبودند معذرتشان از ما بیشتر بود.

در هر صورت اسیدواریم آقایان نمایندگان دست به دست هم داده از دولت استفاده کنند تا انشاءالله این سرام عملی بشود اگر به اجرای تمام سواد این پرگرام موفق شدیم که سعادت بزرگی است و اگر هم به تمام سواد موفق نشدیم به حکم (مالایدرک کله لایترک کله) به اجرای هر قسمتش موفق بشویم باز خوب است.

رئیس — آقای ارباب (اجازه).

ارباب کیخسرو — بنده قبل از اینکه وارد در جزئیات عرایضم بشوم لازم است بطور اشاره در جواب فرمایش آقای ملک عرض کنم که بنده هم از موافقینم و البته آنچه که اینجا گفته میشود برای مخالفت با هیئت دولت نیست ولی بدیهی است وقتی که پرگرامی به مجلس می‌آید آن هیئت دولتی که پشتیبانش یک اکثریتی است باید با آن اکثریت در باب پرگرام خودش مشورت کند و بعد آن پرگرام را به مجلس بیاورد. حالا اگر مشورت کرده است بنده نمیدانم زیرا جزو منفردین هستم.

یک نفر از نمایندگان — هیچکس نمیداند.

ارباب کیخسرو — آنچه را که در اینجا گفته میشود و آن چیزی که بنده را وادار کرده است که موقع را مغتنم بدانم و مطالبی عرض کنم نتیجه یک تفکرات و نظریاتی است که به سرور زمان برای شخص پیش می‌آید بنده حقیقتاً وقتی که به فکر فرو می‌روم که ما چه هستیم؟ که ایم؟ به کجا می‌رویم؟ به قانون اساسی و به حجم قوانین موضوعه نگاه میکنم حقیقتاً نمی‌فهمم ما چیستیم؟ روزی از برای پیدا کردن یک ماده قانون اساسی را مطالعه می‌کردم به جایی برخوردیم که لازم شد تمام قانون اساسی را مراجعه کنیم و

به این فکر افتادم که به بینم کدام یک از سواد و اصول قانون اساسی معطل مانده و اجرا نشده است. متأسفانه دیدم فقط چند ماده که اجرا شده میتوانم جدا کنم. بدیهی است قانون اساسی برای این وضع شده که ملت ایران از اجرای آن مطمئن باشد و نیز مطمئن باشد از اینکه شب هر کس در خانه‌اش راحت می‌خوابد و نمایندگانشان در اینجا ناظر در اجرای آن هستند قوانینی که در این مجلس وضع میشود برای باقی ماندن در گوشه‌طایفه است؟! قانون دیوان محاسبات وضع شده. کوان دیوان محاسباتی که صورت حسابش باید به مجلس بیاید؟ بنده که یک همچو چیزی سراغ ندارم حالا از قبیل این قانون که اجرا نشده زیاد است اینجا در پرگرام اشاره کرده‌ام به اصلاح بلدیها. ولی هیچ اشاره‌نکرده به اجرای قانون بلدی و اجرای انجمن‌های بلدی و ولایتی و ایالتی. تمام اینها قانون دارد. مملکت اگر مشروطه است باید هر قسمتش قانون داشته باشد و قانونش هم اجرا شود نه اینکه آن قانونی که به نفع ما است آنرا صحیح بدانیم و بگوئیم باید اجرا شود و آن چیزی که به نفع ما نیست معتقد شویم که نباید اجرا شود بنده این قسم مشروطه را یک مشروطه صحیحی نمیدانم و نمیدانم که ما چه هستیم. از این جهت بنده به خیال افتادم در موقع مطرح شدن پرگرام دولت در مجلس عرایض خودم را عرض کنم. اینجا یک اصولی در پرگرام در نظر گرفته شده است که مقدس است ولی یک مقدساتی دارد بنده نمیدانم دولت این مقدسات را در نظر گرفته است یا نه؟ اول باید آن مقدسات را در نظر گرفت و بعد به این اصول پرداخت والا نه این دولت بلکه هیچ دولتی از عهده اصلاحات بر نخواهد آمد. یکی وضعیت ادارات است. وضعیت ادارات دولتی حقیقتاً هیچ خوب نیست. در اینجا از اقتصادیات صحبت میشود بنده عرض میکنم یک قسمت عمده ضررهای اقتصادی ما بواسطه عدم لیاقت یا خیانت مأمورین دولت است که حتماً باید اصلاح شود. اینجا گفته میشود (حسن روابط با دول متحابه) بنده عرض می‌کنم برای اجرای این مقصد و نیت باید مأمورین صحیح فرستاده شود. گفته میشود فلاحات بدبخانه با فلاح و زراعت این مملکت یک دشمنی خاصی میشود. وزارت فلاح و تجارت اول باید اداره فلاحی و تجارتي را اصلاح کند. اول باید این مسأله در مملکت درست شود والا به نوشتن تنها تجارت و فلاح اصلاح نمیشود. آقایانیکه در دوره بیست‌سال مشروطیت بوده‌اند میدانند که پرگرامهای زیادی با دولتها آمده و رفته و هیچ اثری هم بر اینها مترتب نشده است. راجع به صحیح صحبت میشود و همینطور راجع به چیزهای دیگر که در این پرگرام نوشته شده. بنده هر چه نگاه کردم مقدسات این اصول را پیدا نکردم اگر دولت این مقدسات را که حقیقتاً لازم است در نظر گرفته که قبل از همه چیز آنرا اجرا کند بنده عرضی ندارم بلکه آرزوی اجرای آنرا دارم. و اگر در نظر نگرفته‌اند استدعا دارم در نظر بگیرند. آقای فرمند در ضمن پرگرام یا سرانامه خودشان که در دوسه جلسه قبل در مجلس قرائت نمودند یک اظهاری فرمودند که بنده متأسفانه با این اظهار ایشان مخالقم. فرمودند راه‌آهن برای ایجاد وحدت ملی است. بنده نفهمیدم مقصودشان از این اظهار چیست. خوش بخانه

ملت ایران وحدت ملی دارند و تمام ایرانیها دست‌اتحادشان بجانم هم دراز است. اما آن چیزیکه راه‌آهن برای اوست چیست؟ به عقیده بنده برای حفظ امنیت و حفظ حدود و ثغور مملکت است. راه‌آهن برای مسائل اقتصادی است. اگر مسأله امنیت و اقتصادیات متزلزل شود نه تنها وحدت ملی نخواهد بود بلکه وحدت خانوادگی هم موجود نخواهد بود و از بین خواهد رفت فقر و فاقه یک خانواده را از هم متلاشی میکند و از بین می‌برد. در اینجا نسبت به هر قسمتی از سواد یک نظریاتی در نظر گرفته‌ام که در موقعیکه نوبت اجازه به بنده رسید در موقع خودش عرض خواهم کرد ولی بطور کلی در اینجا تجدید عرض خود را کرده‌ام و استدعا دارم هیئت دولت حاضر بذل توجه مخصوص نسبت به چند فقره بفرمایند که خیلی لازم است اولاً راجع بر راه‌آهن که در اینجا صحبت شد. چرا مجلس موافقت کرد. برای چه وقتیکه مسئله مالیات قند و شکر در مجلس پنجم مطرح شد نه فقط مجلس موافقت کرد. بلکه صدای موافقت از عموم مردم بلند شد و با کمال میل برای این امر حاضر شدند؟ زیرا برای منافع عمومی بود. ولی متأسفانه نمیدانم از چه نقطه نظر عرض کنم که عملیات گذشته بر ضرر مردم تمام شده است. چنانچه مالیاتی پول مملکت که باید در دست عموم در جریان باشد عجله توقیف شده است با این وضعیتی هم که فعلاً در پیش است معلوم نیست که ما کی دارای راه‌آهن خواهیم شد. راه‌آهن برای اقتصادیات و برای اصلاح امور مردم است و بالاخره راه‌آهن نباید برای حمل‌جنازه ملت باشد. این وضعیت اقتصادی ملی دارد ما را می‌کشد. تجارت و همه چیز ما را دارد از بین می‌برد. عقیده بنده این است دولت قبل از اینکه موفق بکشیدن راه‌آهن بشود تصمیمی در این گرفته و کاری بکند که این پول از توقیف خارج شود. خوب است یک قانونی بمجلس پیشنهاد کند که این پول را بیک مصرف عام المنفعه بزند و یک طریقه اتخاذ کند که مردم از این فقره فایده خلاص شوند. قسمت دیگر که گمان می‌کنم جزو یکی از مواد پرگرام دولت هم بود مسئله عریضه بود که چند روز قبل تجار و اصناف بعرض مجلس رساندند وضعیت ظاهراً طوری است که وکیل تصور میکنند اگر فلان کار برخلاف شد استیضاح خواهد کرد. ولی عقیده بنده اساساً این است که قوای ثلاثه مملکت باید از هم جدا شود مجلس باید کار خودش را بکند و دولت هم باید کار خودش را انجام بدهد. امروز متأسفانه یک قسمت از قوای تقنینیه بدست مأمورین دولت افتاده باین معنی که خودشان قانون وضع می‌کنند و خودشان بهرطوری که صلاح میدانند آنرا اجرا می‌کنند و بالاخره هر کاری که میخواهد میکنند و هیچ معلوم نیست اثر قوانینی که و کلام در مجلس وضع می‌کنند و باید بدست مأمورین دولت اجرا شود چیست؟ با اینکه خرجش را ملت میدهد فایده‌اش برای او چیست گرچه بنده خیلی از نظریات دیگر هم داشتم که لازم بود عرض کنم ولی در موقع سواد عرض خواهم کرد و چون نمیخواهم از نظامات مجلس خارج شوم همینقدر عرض میکنم و استدعا دارم دولت یک بذل توجهی باین نکات و عرایض بنده بفرمایند و اگر اصلاح این مقدسات و اصولی که بنده عرض کردم خود دولت در نظر

گرفته که بنده هم موافق خواهم بود - و اگر در نظر نگرفته خوب است در جزو لوایح خودشان در نظر بگیرند و پیشنهاد کنند - و متأسفانه این مقدمات را خیلی واجب تر و مقدم تر میدانم.

رئیس - آقای حایری زاده - (اجازه)

حایری زاده - من فکر میکردم که چه طور آقایان موافقین به نوبه پشت کرسی نطق بیایند و اظهارات خودشان را می کنند آقای ارباب هم که یکی از موافقین دولت هستند یک سمت دردهای مهم مملکتی را در اینجا تشریح کردند - بدیهی است اگر این دردها نمی بود ما این اندازه علاقه مندی نسبت با آقای مستوفی اظهار نمی کردیم - علت اینکه ما این قدر اصرار میکردیم و ایشان هم استتکاف از قبول و تصدی می کردند برای همین بود که ایشان بیایند و این دردهای ما را درمان و نواقص موجود را اصلاح کنند - و وضعیت اقتصادی را اصلاح کنند - معروف است درد کوه کوه سیاید و سومووقع میشود شمالی هم که سالها از حیث تمدن و قانون از ساکنین این دردها را دارند و همه روزه از وضعیت خودشان داد و فریاد دارند - زیرا هنوز ماشین اصلاحات شکلی که عامه را راضی کرده باشد بجزیران نیافته - من خودم اقرار میکنم که من یک نفر و کیلی هستم از طبقه عوام (این مجلس هم مجلس عوام است) اطلاع کافی از سیاست عمومی نداریم - فقط تکالیفی را من میتوانم ادا کنم و وظیفه ما فقط از نقطه نظر بودجه و دادن رأی اعتماد بمسئولین است که باید قانون مجلس را اجرا کنند - برای همین مقصود و تکلیف هم بنده منتهای سعی را میکنم و خیلی هم سعی دارم که از این حدود خارج نشوم زیرا از این بیشتر اطلاعی ندارم یک قانونی در چند دوره قبل نوشتیم - و باز در دوره بعد آمدیم یک چیزهایی نوشتیم که آن قانون را فلج کرده و بلا تکلیف گذارده است مثلاً در مجلس چهارم ما آمدیم و یک اختیاراتی باقی گذاشته بودیم که ما را باطل کرده و آن قانون را فلج کرد و معلوم نشد چه شد بعضی از نمایندگان - آن اختیار محدود بود -

حایری زاده - عرض این است که این دردها هست و هر وقتی که ما میخواهیم این مسائل را اصلاح کنیم و قوانین را از حالت فلج بیرون بیاوریم بقدری بدبختی بما فشار آورد و بقدری مسائل تازه از هر طرف پیش آمد که نه بویکیل و نه بدولتها فرصت نداد که این نواقص را اصلاح کنند - و حالا هم راجع باین مواد که در پروگرام ذکر شده و هیجده ماده است (ولی بنده در بعضی در روزنامه ها دیدم بیست ماده نوشته اند و تفهیم آن دو ماده از کجا آمده) خوب است آقایان موافقت بفرمایند - زیرا ما بشخص آقا اعتماد داریم - خودشان پرگرام هستند و فرضاً این مواد را هم در پرگرامشان نمی نوشتند و اینجا نمی آوردند باز ما از نقطه نظر مصالح مملکت صلاح میدانستیم که با آقای مستوفی رأی اعتماد ندهیم - تا مملکتی که وقایع بزرگی در آن اتفاق افتاده و در عرض این بیست سال مشروطیت بحال انقلاب بوده به جریان صحیح

بیفتد و امورات اصلاح شود - زیرا مملکت کم کم باید بحالت عادی و جریان معمولی بیفتد مخالفین آقای مستوفی هم این جمله را اعتراف دارند که وقتی ایشان مصدر کارند و مردم در خانه خودشان خوابیدند مطمئنند و قیامی که بدست ایشان اتفاق میدهند برای مملکت یک ضررهای تولید نمی کنند و این بهترین نعمتهاست برای ما و زیاده بر این دیگر چیزی عرض نمی کنم -

رئیس - آقای فهیمی (اجازه)

میرزا خلیل خان فهیمی - بنده خیلی خوشوقت میشوم پرگرامهاییکه بمجلس میاید از صورت مرامنامه های حزبی خارج باشد - برخلاف نظریه آقای حایری زاده که میفرمایند آقای مستوفی خودشان پرگرام هستند - بنده عرض میکنم این پرگرام کافی نیست - فرمایش ایشان به عین مثل اظهار یکی از رئیس الوزراهای سابق است که در دوره اول باو گفتند باید بروی مجلس و در آنجا معرفی شوی - جواب داد بعد از هشتاد سال مرا نمی شناسند که حالا بروم معرفی شوم (خنده نمایندگان) اینها یک اصولی است که باید مراعات و ملحوظ شود پرگرام دولت باید بانظریات سیاسی رئیس الوزرا و با احتیاجات ضروری مملکت منطبق باشد و بالاخره باید حاوی یک مسائلی باشد که برای مملکت نافع و ضروری باشد و مخصوصاً باید یک سواد باشد که بموقع اجرا گذارده شود و از صورت ابهام خارج باشد ولی نتیجه پرگرامی که صورت پیدا می کند این است که آقای فرزند سیاید اینجا و آن راه آهن را نکشند و سوار نشوند پائین نمیایند (خنده نمایندگان) بنده البته حق داشتم منتظر باشم در این عصر یعنی بعد از این که در نتیجه انقلابات عالم سیاست دنیا تقریباً تغییر کرده و دولت ایران هم از این انقلابات غیر ستائر نموده و تغییرات عمده در آن بوقوع پیوسته و مقام سلطنت را تفویض کسی کرده اند که در نتیجه بروز لیاقت و کفایت علاقه مندی خودش را به مملکت ثابت کرده است - و حالا دولت تشکیل شده و مقام ریاست وزراء بعهدہ کسی مفوض شده که چندین مرتبه بمقام ریاست وزرائی برقرار شده و اعضاء کابینه شان تمام از اعضایی هستند که همیشه متصدی مشاغل مهمه در مملکت بوده اند البته در چنین موقعی بنده حق داشتم منتظر باشم که پرگرامی که بمجلس میاید مواد اودارای یک وضوحی باشد و بقدری روشن باشد که همه یکی یکی مواد را بفهمیم نه اینکه مبهم باشد - بنده و رفقایم که بنده افتخار عضویت فراکسیون آنها را دارم هیچ کدام متفی باف نیستیم و میل مخالفت را هم نداریم ولی وقتی که در مواد این پرگرام ملاحظه میکنیم هیچ سلنت نمی بینیم که بچه رأی میدهم زیرا دارای یک سواد و مسائل مبهمی است و همان طور که آقای سلک اظهار کردند علت این است که غالباً بحرانها و تشکیلات دولت ها روی مسائل سیاسی واقع نمیشود بلکه بیشتر روی نظریات خصوصی و شخصی است - مثلاً اشخاصیکه مستحضر نیستند وقتی میشوند که بحران سی چهل روز در مملکت طول کشیده تصور میکنند که یک مسائل بزرگ سیاسی پیش آمده که اینقدر بحران در مملکت طول کشیده و چه پیش آمده که هیچ کس زیر بار تقبل مقام سیاست وزراء نمی رود ولی ماها که از قضایا مستحضریم میدانیم

چه مسائلی پیش آمده که موجب طول بحران شده و بالاخره یک کسی وقتی قبول کرد در آن ساعت آخرین سوادى طرداً للباب بطور پرگرام تهیه میکنند و فوری بمجلس میآورند - و مثلاً چون آقای مدرس با ایجاد کارخانه آهن ذوب کن علاقه دارند برای رضایت خاطر ایشان یک ماده هم بنویسند (ایجاد کارخانه آهن ذوب کن) خلاصه باین ترتیب یک پرگرامی تهیه و آورده میشود از این جهت است که اگر بعضی از آقایان از رأی دادن امتناع دارند یا اظهار مخالفت میکنند برای این است که معلوم نیست بروی چه اصولی صحبت خواهند کرد و یارای خواهند داد و الا با این سوادیکه در اینجا نوشته شده - اصولاً کسی مخالف نیست - آقای حایری زاده میفرمایند آقای رئیس الوزرا خودشان پرگرام هستند - بنده عرض می کنم تمام افراد ایرانی خودش پرگرام است و البته هر کس یک آرزوهای خوبی دارد و میخواهد بان آرزو نائل شود خلاصه چنانچه عرض کردم بنده و رفقای بنده با پرگرام مخالف نیستیم ولی از سادول آنهم چیزی نمی فهمیم و نمی توانم در آن اظهار عقیده کنم منتهی در ضمن عمل و توضیحاتی که آقایان وزراء خواهند داد امیدواریم موافق میشویم -

(جمعی از نمایندگان گفتند مذاکرات کافی است - و بعضی دیگر اظهار کردند کافی نیست)

رئیس - آقای باسداد - (اجازه)

میرزا محمد علیخان باسداد - فرمایشات آقای فهیمی خلاصه میشد در یک جمله و آن ابهام و اجمال پرگرام بود ولی بنده قبل از اینکه نظریات خود را در باب پرگرام و این اظهار ایشان عرض کنم لازم میدانم چند کلمه در جواب فرمایش آقای ارباب عرض کنم زیرا رفیق محترم بنده آقای حایری زاده برای حسن نظر و اعتمادی که بحضرت آقای مستوفی دارند تمام محاکمات را موکول کردند با حساسات و نظریات شخص خود آقا - این نظریه را بنده تقدیس کرده و میکنم ولی چون یکی از آقایان نمایندگان فرمودند این جواب آقای ارباب نشد لذا لازم میدانم چند کلمه در این باب عرض کنیم آقای ارباب اصولاً مخالفتی نداشتند و باشخص آقا و کابینه شان موافق بودند ولی در موادی نظریاتی داشتند که این نظریات هم اختصاص بشخص ایشان نداشت بلکه همه در این نظریات شریکیم البته هیچکس نیست که بگوید این اظهار و فرمایش ایشان بجا و بموقع نبود خلاصه آنکه تمام نظریات آقای ارباب متوجه میشود بسوء جریانات امور اداری و البته یک مملکتی همین حرف را میزند و همین عقیده را دارند و همانطور که آقای حایری زاده فرمودند علت اینکه از بدو دوره ششم مجلس و آقایان نمایندگان محترم اکثر اصرار و ابرام داشتند که شخصی مثل آقای مستوفی قبول ریاست وزرائی و زمامداری را نمایند برای همین مسئله بود - برای برطرف کردن سوء جریان اداری بود و حالا هم بعقیده بنده بمجلس و دولت باید دست بهم داده و صمیمانه این دردها را درمان و این نواقص را اصلاح کنند یک علت دیگر هم راجع به جوانی تشکیلات اداری است انکار نباید کرد که تشکیلات ما جوان و تازه است و هنوز آن طور که باید نضج نگرفته و البته جوان عمری لازم دارد تا پذیرش شود - و اگر یک ملتی بیشتر علاقه مند بود زودترین مرحله عمر را می گذراند و اگر خیر کمتر

علاقه مندی داشت البته بطور جریان خواهد داشت - دوم غیر عادی بودن اوضاع این دو سه ساله که البته اصطکاک زیاد میشد در افکار - ادارات هم مال همین مملکت است این بود که برسوء جریان شاید قدری هم افزوده شده باشد ولی امروز الحمد لله اوضاع دارد عادی میشود و یکی از مرامها و آرزوهای ما این است که اوضاع ما شروع بکند بشکل عادی گرفتن که در عرض یک مدت کمی با موافقت بادولت آبهای از جو رفته دوباره باز بجو بیاید ...

آقایید یعقوب - یعنی دوباره انقلاب شود ؟!

باسداد - دیگر آنکه راجع به عدم اجرای محاکمات آقای ارباب شرحی فرمودند بنده تصدیق میکنم نظریه ایشان را ..

بعضی از نمایندگان - آقا مخالفت!

رئیس - خیر تصدیق می کنند مخالفت را -

باسداد - اینها مربوط است بیک نظریات و موازینی و البته باید اصلاحش را بخواهیم و اینها نیکه در این مملکت متراکم شده باید اصلاحش کرد - الان نمیشود گفت که فلان خرابی برای این است که پرگرام اینطور است و البته این خرابیها محسوس است و باید دست بهم بدهیم برای اصلاح - یکی هم مسئله وجود قند و شکر بود که فرمودند یک بولهای در یک جائی جمع شده ولی راه عملی غیر از این چه بود که یک بولی که مجلس شورای ملی مخصوص و منحصر کرده برای یک مصرف معینی اجازه نداده بمصرف دیگر بسندجه میکردید؟ اگر بحریان میانداختند که از آن اختصاص خارج میشد - البته باید یک جائی جمع کنند که بعد از آنکه مقدمات راه آهن فراهم شد صرف نقشه برداری و کارخانه آهن ذوب کنی و غیره کنند - این پول را باین مصرفها برسانند بعلاوه که بیک مورد منفعتی هم آن را استعمال کرده اند - حالا اگر غیر از این راه عملی باشد که پول هم از حد اختصاصی قانونی خارج بشود و هم در معرض تداول باشد و در مملکت جریان پیدا کند آن را بنده نمیدانم - باید پیشنهاد کنند -

اما راجع پرگرام بنده یا این پرگرام کاملاً موافقم نه برای اینکه با آقای رئیس الوزرا موافقم و مکرر رأی اعتماد داده ام و عین الرضا سبب این شده است که هر چه که از آقا تراوش کند و بنویسد موافقم - نه - بلکه برای خود پرگرام - برای اینکه اصلاً پرگرام یعنی چه؟ یعنی بیک؟ دولتی با اطلاع و احاطه آن نقطه های احتیاجات و ضروریات مملکت را تشخیص داده و روی آنها پرگرام نوشته و ماده بندی کنند و بمجلس بیاورند و این پرگرام طوری است که معنی مسئولیت را نشان میدهد و اگر کلی گوئی و فیلسوف منشی و مرام نویسی بود یک دولتی نمیتوانست مسئولیت را قبول کند مثل خیلی از پروگرامها - مثلاً : ترویج در اقتصادیات ، سعی در فلاحات ، اینها یک چیز کلی بود هر وقت یک نماینده میگفت آقا فلاح و تجارت کو، جواب میداد ترویج میکنم، اینکه صریحاً بنویسند من فلان کار را میکنم یعنی قبول مسئولیت میکنند در یک ماده های معینی - خلاصه اگر ما شاء الله باین دولت که رأی اعتماد داده ایم موافقت بکنیم و بهمان رأیمان باقی باشیم البته در موقع میتوانیم بگوئیم شما که در پرگرام نوشته اید فروش تدریجی خالصات، کو لایحه

مقدساتش؟ همینطور مواد دیگرش مثلاً «تأسیس بانک دولتی یا یک شعبه رهنی» این عملی، عملی است. کلی گوئی نیست. میتوانیم بگوئیم کولایچه‌اش پس این بهترین پروگرامهائی است که میشود گفت نه سرام است نه مرامنامه. اجمالی هم بنده درش نمی‌بینیم عرض کردم شاید گفته شود که همان عین الرضا سبب شده است ولی اینطور نیست مثلاً «اصلاح و توسعه راههای شوسه» نمیفهمم این چه اجمالی دارد؟! اجرای تصمیم مجلس پنجم راجع بنقشه برداری خطوط مختلف آهن، این چه ابهامی دارد؟ بهر حال بنده کاملاً نظر بجنبه عملی بودن این پروگرام موافقم و هیچ اجمالی هم درش نمی‌بینیم فقط یک اجمالی درش می‌بینیم که اگر آقایان صلاح بدانند اضافه بکنند یکی در ماده سوم که می‌نویسد «اهتمام در ترویج و ترقی زراعت و مخصوصاً سعی در تکثیر محصولات قابل صدور از قبیل پنبه و ابریشم و امثال آنها و بستن مدهای برای اراضی قابل زرع» این را اضافه بفرمایند «و خشکانیدن باتلاقیها برای جلوگیری از مالاریا» یکی هم در ماده سیزدهم که نوشته «بسط و توسعه مدارس ابتدائی در تمام مملکت و تشکیل مدارس حرفه و مهندسی» در این ماده مخصوصاً تشکیل مدارس حرفه بقدری بنظر بنده خوبست که این یگانه آرزوی بنده بود که مدارس عملی پیدا شود که مرد عملی بیرون بدهد و این همه سرد اتکالی بیرون نیابند خوشبختانه شنیدم یکی دویاب از این مدارس افتتاح شده و اشخاصی را هم که متصدی کرده‌اند می‌شناسم که اشخاص لایقی هستند و از عهده برمی‌آیند.

البته نظر آقای وزیر معارف هم که این ماده را در سهم خودشان پیش‌بینی کرده‌اند و نوشته‌اند همین بود که بسط و توسعه مدارس ابتدائی بعد از تشکیل و تأسیس دارالمعلمین و دارالعلمیات‌ها در ایالات و ولایات باشد و گمان می‌کنم نظرشان همین بوده است و الا بنده با این پروگرام کاملاً موافقم و هیچ نقصی هم درش نمی‌بینم. وزیر عدلیه - عرض کنم راجع بعرایضی که بنده پرریوز کردم گویایک سوءتفاهمی شده است برای بعضی از آقایان مخصوصاً ذوات محترمی که در مجلس تشریف دارند تصور کرده‌اند که من در ضمن گفته‌ام که داخل در یک عملیات تریسمی بوده‌اند بنده عرایضی که کرده‌ام حاضر است در آن اظهارات چنین چیزی نبوده ولی البته ممکن است تزییناتی نسبت ببعضی از آنها بطور سهو و اشتباه شده باشد و بنده با کمال تأسف معذرت می‌خواهم.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات در کلیات کافی است.

رئیس - کافی است؟

(گفته شد: بلی)

رئیس - قسمت اول قرائت میشود.

۱ - حفظ حسن روابط با دول متحابه،

رئیس - آقایان موافقت چند دقیقه تأفس داده شود.

بعضی از نمایندگان - صحیح است.

[درین موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید]

رئیس - قسمت اول پروگرام مطرح است. آقای فرمند

(اجازه)

وزراء مسئولیت مشترك دارند و هر یک از این سواد راجع به یک وزارتخانه است ساده اول راجع است به وزارت خارجه که باید روابط حسنه را حفظ کنند ولی به اعتبار مسئولیت مشتركه اینها همه اشتراك دارند پس می‌شود بحث در کلیات نسبت به سواد هم کرد. ممکن است آن اکثریتی که مخالف با بنده است بگوید چون تو اقلیتی چرند و بزخرف گفتی ولی....

رئیس - اکثریت این حرف را نخواهد زد ولی به موجب آن تعبیری هم که خودتان کردید این ماده ام‌المواد نیست و فقط در ماده اول می‌توانید حرف بزنید.

آقای سید یعقوب - بسیار خوب بنده حالا که آقای رئیس حقیقه متوجه هستند به اینکه اقلیت زیاد حرف نزنند... (خنده نمایندگان) و اکثریت داسنه‌اش باز باشد عرض می‌کنم که این آقای رئیس الوزراء الان دوره هفتم است که رئیس الوزراء شده‌اند و به اعتبار آنکه آقای مدرس فرمودند اگر همان کابینه سابق باشد بدون اینکه لباسشان تغییر کرده باشد و بعد تمایل اکثریت شد دوره ششم است والا دوره هفتم هفت مرتبه است که آقای رئیس الوزراء زمامدارا اکثریت شده‌اند و بینی و بین الله همان‌طور که آقای مدرس فرمودند چه برای داخله و چه برای خارجه نه ضرر دارند و نه نفع و بنده امیدوارم در این دوره مملکت نفع کلی ببرد و فقط در یک پروگرامشان که در دوره سوم در ششم برج حوت ربیع الثانی ۱۳۳۳ بمجلس شورای ملی دادند این ماده در آنجا نیست چرا؟ علتش هم این بود که آن وقت جنگ بین المللی در دنیا بود و آن وقت دولت ایران موقع استفاده‌اش بود. بعقیده بنده بعلت اینکه ایران میتوانست در این قسمت از آنهایی که ما را همیشه در فشار داشتند استفادات بزرگی بکند و حالا چون نمیتوانم در کلیات صحبت کنم در کلیات آخر شرح مفصل خواهم داد. در پروگرام اولشان حفظ روابط حسنه نیست. نکته این است. اما در پروگرامی که در دوره چهارم تقدیم مجلس کرده‌اند این است عبارت: حفظ روابط حسنه با دول متحابه و انجام قراردادهای تجارتنی و پستی و تلگرافی با دولت روسیه. بنده الان در حضور آقای وزیر خارجه و خود حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء عرض می‌کنم که دولت شمالی تمام سرحداتش را بما بسته است یک خرده از مال التجاره ما را نمی‌گذارند بآنجا برود. آن وقت میگویند روابط حسنه است! این روابط حسنه است؟! که در تجارت را بروی ما سد کرده. نفط و بنزین را می‌آورد. پول و مواد خام که اصول زندگانی ماست میبرد اما در مقابل یک قدری برنج و خشکه بار که داریم نمیبرد این در واقع حفظ روابط حسنه است؟! تصور نمی‌کنم که این روابط حسنه باشد که توجوب بخور و هر چه داری بمن بده. با آقای تقی زاده یک وقتی در کمیسیون صحبت می‌کردیم گفتند شما در خانه ما دعوت می‌شوید چلو می‌خورید ما در خانه شما باید چماق بخوریم. توستری بخوریم. این است روابط حسنه. بنده نمیدانم دولت چه در نظر گرفته است! ایران می‌سوزد در آتش فقر و فاقه برای چه برای اینکه راه تجارت را بر ما سد کرده‌اند. اگر چه جرأت نمی‌کنم این حرف را بزنم ولی باز می‌گویم سالارالدوله می‌آید سرحد

کردستان جنگ میکند این روابط حسنه است؟ این اوضاعی که در کردستان هست که نه من اطلاع دارم و نه کسی اطلاع دارد و نه هیچ یک از وکلا اطلاع دارند پس این چه روابط حسنه‌ایست؟ پس خوبست نوشته شود تغییر روابط سابقه و ایجاد روابط مستحسنة والا این طوری که الان هست و می‌خواهند حفظ کنند استدعا می‌کنم این را حفظ نکنند چرا؟ برای اینکه حفظ کردن یعنی اینکه موجود است باید باشد و باید طرف شمال بر ما مسدود باشد و این طرف هم می‌تفنگ بدهند و ایلات ما را بحال توحش و تزلزل بیندازند و جنگ در داخله مملکت ایجاد کنند و مارا خفه کنند. بنده عقیده ندارم باین ساده و باید بکلی از پروگرام برداشته شود و یک روابط جدیدی ایجاد کنیم آقای وزیر خارجه که مدتها هم در خارجه بوده‌اند و الحمد لله حالا دونفر از سفرای کبار جزء وزرای عظام هستند، آقای این روابط حسنه است؟ حقیقه نمی‌دانم این چطور روابط حسنه‌ایست!! خفه کردن ملت روابط سودت است؟! تسلط عزرائیل است. عرض کنم. این روابط حسنه را ما نداریم. خوب است یک عملیاتی بکنند که این وضع تغییر کند. ایجاد یک روابط حسنه هم با دولت شمالی و هم با دولت جنوبی بکنند بواسطه اینکه مکرر بنده در پشت همین میز خطابه عرض کرده‌ام که ملت ایران یک ملتی است صلح طلب و بردبار و یک ملتی است که کهن افراد جامعه بشریت است؟ و همیشه دست دوستی بهمه داده و هیچ وقت تحمل نکرده اما این طور هم نیست که از طرف دیگران هم تحمیل براو بشود. قرقم می‌کنند و عقیده‌ام این است که حق دارد و در سواق خودش هم خیلی خشن و سخت است بنده عرض می‌کنم با این ترتیبی که جریان دارد در این مدت ابداً روابط حسنه نیست و باید تغییر کند و هرلویحی که در این خصوص در نظرنا همست در اینجا بدهید و یک مسأله دیگر این است که آقایان موافقین بیان کردند مخصوصاً آقای باسداد و آقای حائری زاده که عین الرضا عن کل عیب کابله بیان کردند بنده قبول دارم لیکن بنده عمل می‌خواهم بنده به کسی می‌گویم خوب که بنشینید و برای مملکت کار کنید کسی که برای مملکت کار نکند بنده با او خوب نیستم بنده کسی را که کار بکند و دامن به کمر بزند و بهایه‌ری و جنجال بازیها اعتنا نکند و بنشیند معضلات را حل بکند می‌خواهم. بنده می‌خواهم آقای رئیس الوزراء بفرمایند قرارداد تجارتنی در دوره پنجم که در کمیسیون فواید عامه و خارجه دعوت کردیم خود حضرت اشرف تشریف می‌آوردند آقای پیرنیا بزرگ و کوچک هم تشریف می‌آوردند آقای تقی زاده و آقای مدرس هم تشریف می‌آوردند کدام قرارداد تجارتنی تا حال یک کلمه‌اش روی کاغذ آمده غیر از این است که تمام طلا و نقره ما را برده‌اند این قرارداد تجارتنی است! همین ساده اول بود که در دوره چهارم صحبت بود از آن دوره تا بحال چهار پنج سال گذشته سلاحه بفرمائید اگر دریای طلا و نقره هم در ایران بود باین طوری که مثل سیل جاری است و می‌رود چه برای ایران باقی می‌ماند؟! مکرر گفته شده و الان هم این مطلب را به آقایان اطلاع می‌دهم که در تمام سرحدات آنچه که طلا و نقره بود به اسم اینکه مال بانک و غیره

است می‌برند. ماده قانونش را می‌خواستیم تذکر بدهیم به این وزرائی که طرف اعتماد من نیستند... (خنده نمایندگان) - که درین باب یکفکری بکنند و نگذارند. طلاوتقره ما ازین برود بنده به این نظر با این ماده که حفظ روابط حسنه بادول متخاصمه است کاملاً مخالفم و باید این ماده تغییر کند و خود آقای رئیس‌الوزراء هم تصدیق دارند که این روابط و روابط حسنه نیست چون بیشتر از این اجازه نمی‌دهند مذاکرات را ختم می‌کنم و خواهشی دارم که اکثریت به بنده اجازه بدهند که در کلیات آخر خیلی حرف بزنم و مخصوصاً راجع به وزارت مالیه خیلی صحبت دارم و یک مسأله دیگر را از آقای رئیس می‌خواستیم اجازه بگیرم عرض کنم خوبست آقای رئیس‌الوزراء که در پشت تریبون آن سراسله را تکذیب کردند او را از هیئت‌وزراء خارج کنند و خودشان وزارت جنگ را به عهده بگیرند...

(صدای زنگ رئیس)

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - اگر چه رفیق محترم بنده آقای آقا سید یعقوب اجازه خواسته بودند که در کلیات مذاکره بفرمایند که مذاکرات کافی شده بنده خیلی خوشنودشدم که در مسائل دیگری و مذاکرات دیگری سواچه با ایشان نشدم ولی در تحت سواد پروگرام آنچه که ایشان مذاکره کردند اینها را بود که بنده اینجا یاد داشت کرده‌ام یک فرمایش در جلسه گذشته آقای مدرس فرمودند که امروز سورد سوء استفاده آقای آقا سید یعقوب واقع شد و آن این بود که آقای مستوفی الممالک شخصی هستند که نه داخله از ایشان استفاده می‌کنند نه خارجه. بنده در یک قسمتش با ایشان موافقم که هر وقت ایشان زمامدار مملکت شده‌اند خارجه نتوانسته‌اند از ایشان استفاده کنند و در آتیه هم مطمئنم نخواهند کرد ولی داخله از ایشان استفاده کرد و می‌کنند و وجود ایشان برای ما مغتنم است. هر ملتی یک عده رجال سیاسی با تقوی برای خودش ذخیره کرده است و هر موقمی لازم بداند و هر روزی که سورد استفاده بداند آنها را می‌آورد زمامدار مملکت می‌کند و از آنها مسئولیت می‌خواهد و سورد از آنروزهایی است که ما صلاح دانستیم که آقای مستوفی الممالک در رأس حکومت ایران قرار بگیرد و مسئولیت رادر مقابل مملکت و ملت و مجلس قبول کنند و با اطمینانی که از عملیات گذشته ایشان داریم اطمینان داریم که در آتیه هم در سیاست داخله و خارجه خبط و خطائی نمی‌کنند و با اطلاعات عمیقی که دارند در سیاست و اوضاع و دنیا و مملکت و با شناسائی که مردم در حق ایشان در حق مردم دارند و همچنین با شناسائی که ایشان در حق خارجه و خارجه در حق ایشان دارند هیچ جای سوء ظن نیست که از این بعد در کابینه که ایشان مسئولیتش را قبول کرده اند یک سوء اتفاقی واقع شود و این را هم عرض کنم که ماها که از اول به ایشان اظهار تمایل کردیم و حالا هم ورقه سفیدمانرا تقدیمشان میکنیم بیشتر از نقطه نظر شخص ایشان بود که ایشان در رأس حکومت قرار گرفته‌اند البته به آقایان وزراء هم نظر سوئی نداریم و همانطوریکه بعضی آقایان اظهار کردند مسئولیت مشترک است ولی در یک هیئتی اگر یک عضو مستقی

رئیس - آقای فرمند. (اجازه)

فرمند - عرضی ندارم.

رئیس - آقای ارباب کیخسرو. (اجازه)

ارباب کیخسرو - در این ماده دو قسمت است، یکی اصلاح و توسعه امور تجارت و یکی هم تسهیلات راجع به ترانزیت. تجارت بر دو قسم است. یکی مسائل ضروری برای کسب و یکی هم مسائل تجملی که خانه کسب را خراب کرده است. اینجا گفته میشود (توسعه) شاید اصلاح یک اثری بدهد ولی اگر توسعه باشد گمان نمیکنم. اینجا بنده در ضمن این ماده انتظار داشتم که به مسأله جلوگیری از اشیاء تجملی هم توجهی بشود، ما به کجا میرویم. از یک طرف میگوئیم مسائل اقتصادی را نظر داریم و از یک طرف هم درب دروازه‌های مملکت باز است و هر روز اسباب‌های تجملی به این مملکت میآید، حالا نمیخواهم داخل در جزئیات بشوم که چه چیزها بچه قیمت میرسد ولی بالاخره وقتیکه نگاه کنید در ادارات اگر بعضی اجزایش مجبور میشوند بعضی کارها بکنند مربوط به مسائل تجملی است و همچنین اگر بعضی خرابیهای دیگر وارد میشود تکیه‌اش بهمانست. به عقیده بنده لازم است به هر قسمی که صلاح میدانند از ورود اشیاء تجملی جلوگیری کنند. قسمت دیگر مسأله ترانزیت است، در ۲۳ قوس ۱۳۰۰ معاهده میامی که بین دولت روس و ایران منعقد شده است در فصل ۲۰ آن مینویسد: طرفین معظمتین معاهدتین متقابلاً به همدیگر حق ترانزیت میدهند که از طریق ایران و یا طریق روسیه به ممالک ثالثی مال التجاره حمل نمایند ضمناً بر مال التجاره حمل شده عوارض بیش از آنچه از مال التجاره دول کامله الوداد (غیر از ممالک متحده با جمهوری اتحادی شوروی روسیه) اخذ میشود نباید تعلق بگیرد. این معاهده تصویب شده است در آنجا هم یک ماده صریحی است که بایستی اجراء شده باشد ولی اینجا تازه جزء پروگرام آمده است این یک اصلی است که جزء قرارداد بوده از این جهت عملاً اجرای آنرا انتظار داشتم نه جزء پروگرام آمدن آنرا.

رئیس - آقای حائری زاده. (اجازه)

حائری زاده - فرمایش نماینده محترم یکی را چه به اصلاحات تعرفه گمرکی بوده که تقریباً بشکلی تنظیم شود که باعث اصلاح اقتصادی بشود. بنده تصور میکنم در ماده ششم که نوشته است: تهیه لوايح لازم را چه به اصلاح امور مالیه.

بدیهی است اصلاح امور مالیه که شد این مسأله در آنجا حل خواهد شد، اما در قسمت ترانزیت اگر نظر نماینده محترم باشد در آن جلسه تاریخی که این عهدنامه از مجلس چهارم میگشت در این موضوع خیلی مذاکرات شد که ترانزیتی که بیشتر به نفع ماست ترانزیت واردات است که جنسی که میخواهیم بیاوریم از روسیه عبور بدهیم و بیاوریم و اگر اجناس خودمانرا هم خواسته باشیم عبور بدهیم ولی چون استعده ما یک استعده سنگین وزن سبک قیمتی است صرف نمیکند که یک راه زیادی را بپیمایند و اگر خواسته باشند عمل بکنند تصور نمیکنم از طرف دولت مجاور هم مخالفتی بشود و این قسمتی که دولت در نظر گرفته است برای ترانزیت

واردات است که ما خودمان از ممالک اروپا که مال التجاره خریدیم از راه روسیه بتوانیم عبور بدهیم و بیاوریم و این ماده گمان میکنم واضح باشد و بیش از این محتاج به توضیح نباشد.

رئیس - آقای فهیمی. (اجازه)

فهیمی - در این ماده عرضی ندارم.

رئیس - قسمت سوم.

(به شرح ذیل خوانده شد)

سوم - اهتمام در ترویج و ترقی زراعت و مخصوصاً سعی در تکثیر محصولات قابل صدور از قبیل پنبه و ابریشم و امثال آنها و بستن سدها برای آبیاری اراضی قابل زرع.

رئیس - آقای فرمند. (اجازه)

فرمند - عرضی ندارم.

رئیس - آقای ارباب کیخسرو.

ارباب کیخسرو - بنده بطوریکه در کلیات عرض کردم البته تقدیس میکنم این نظر دولت را برای اصلاح عمل فلاحی ولی بنده چون نمیدانم که چه قسم اصلاحی در نظر گرفته‌اند اینجا انتظار داشتم که در یکجائی می‌گنجانند جلوگیری از خرابیهای مأسورین دولتی. اصلاح دومی که بنده در نظر داشتم که شاید اگر دولت هم در نظر میگرفت خوب بود، اصلاح مالیات ارضی است، این موضوع مالیات ارضی یکی از چیزهایی است که عمل فلاحت را خراب کرده است، اگر دولت یک اصلی برای این امر در نظر میگرفت و متوجه میشد خیلی خوب بود زیرا عمل فلاحت در یگانه چیز است که این مملکت میتواند بوسیله آن ترقی کند متأسفانه در اینجا نیست در اینجا قسمت سد بستن برای آب‌ها را متذکر شده البته خود دولت تصدیق میفرمایند ساد چیزی نیست که امروز بسته شود و فردا در عمر این کابینه آب جاری شود. بلکه اگر در عوض این سبب باشند: جلوگیری از تعدیات مأسورین مالیه برای رسیدن آبهای موجود بزراعت، مقدم تر بود.

رئیس - آقای حائری زاده. (اجازه)

حائری زاده - یکی از خرابیهای که ما از قدیم به ارث برده‌ایم ترتیب مالیات ارضی است سانی هم نیست که ما آنرا از نظر دولت بگذرانیم که دولت متوجه خرابیها باشد و درصدد اصلاح برآید. اگر آقای ارباب در این موضوع بیش از اینهم صحبت بفرمایند من به ایشان حق میدهم ولی اگر نظر سبارکشان باشد در مجلس پنجم وقتی قانون مالیات املاک اربابی و مراعی و سواشی میگشت در آن موقع هم در این موضوع صحبت شد و گفته شد که باید یک محل دیگری پیدا کنیم تا بتوانیم اینطور مالیاتها را بهم بزنیم زیرا مأسورین مالیه وقتی بدهات و قصبات میروند مردم را توقیف میکنند، گوسفند هاشان را توقیف میکنند، محصول را توقیف میکنند و برای وصول یک مالیاتی که چهار میلیون و نیم بیشتر نیست مبلغی خرج میکنیم و این اشکالات هم هست ولی ما تا یک محلی پیدا نکرده‌ایم که بجای این بگذاریم اگر دولت بخواهد از این مالیات صرف نظر کند چرخهای دولت فلج میشود وقتی هم که دولت نتواند صرف نظر کند باید بدست مأسورین مالیه این عمل انجام

بگیرد و این مالیات وصول شود آنهم اداراتی که به فرمایش آقای بامداد خیلی جوانست و تازه تأسیس شده، سابقاً مالیات مملکت ما عنوان ابوابجمعی داشت مثلاً ناحیه فارس ابوابجمع قوام الملک بود، یک ناحیه دیگر ابوابجمع فلان خان بود ولی امروز دولت میخواهد به جزء عمل کند و مالیات را قسمت قسمت وصول کند، در مملکتی که معارف ترقی نکرده و آن اندازه اشخاص باسواد که به تحصیلداری و مباشری بگمارد ندارد بدیهی است که این خرابیها هست و ما توقعمان از دولت این بوده است که یک راه حلی برای جلوگیری از این خرابیها فراهم کند، دولت در ماده ششم این جمله را پیش بینی کرده است (تهیه و تقدیم لوایح لازمه برای اصلاحات راجعه به امور مالیه که عملاً ضرورت آنها ثابت گردیده است) ما امیدواریم در این موضوع یک مطالعاتی بشود و ترتیبی بدهند که زارع و فلاح این مملکت از پرداخت مالیات معاف بشوند و مردم به عمل زراعت و آبیاری مشغول بشوند و زندگی جدیدی پیدا کنند و از آن کثافت پیش نجات پیدا کنیم ولی این کارها مدت لازم دارد تا انجام بگیرد والا بفرمایش آقای فهیمی از پشت تریبون پائین نیائیم تا راه آهن سوار شویم فائده ندارد.

بعضی از نمایندگان — مذاکرات کافیست.

رئیس — پیشنهاد ختم جلسه کرده اند، مخالفی ندارد؟

(بعضی از نمایندگان — خیر)

رئیس — چون روز شنبه عید مولود حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله خواهد بود حسب معمول یک عده میبایست به قرعه انتخاب شوند و در آتروز حضور اعلیحضرت برای تبریک مشرف شوند، سابقاً شش نفر انتخاب میشده حالا هم موافقت همان شش نفر باشد؟

بعضی از نمایندگان — صحیح است.

(استقراع به عمل آمده نتیجه به طریق ذیل حاصل گردید)

آقایان: غلامحسین میرزا، مدرس، مرتضی قلیخان بیات...

یک نفر از نمایندگان — جزء هیئت رئیسه اند.

— بهار، علیخان حیدری، میرزا ابراهیم اهری، لیتوانی.

مدرس — بنده کسالت دارم عوض من یک نفر دیگر را معین فرمایند.

(مجدداً قرعه کشیده آقای خطیبی معین شدند)

رئیس — جلسه آتیه روز یکشنبه چهار ساعت قبل از ظهر، دستور بقیه برگرام.

(مجلس نیمساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی — سید محمد تدین

منشی: سید ابراهیم ضیاء منشی: امیر تیمور کلالی